

نکته‌هایی از معارف حسینی

دکتر محمد حسین مردانی نوکنده

سلطنت امام حسین (ع) در عالم دیگر

آقای سید محمد تقی گلستانی نقل می‌کند: در اوایل جوانی، چند نفر هم سال، هم دل و یک جهت بودیم. دوره ای داشتیم، هر شب در منزل یکی از دوستان می‌رفتیم و با هم بودیم. یکی از آنان پدرش حسینی بود؛ یعنی به حضرت سید الشهداء علیه السلام سخت علاقه مند بود، تا جایی که شبی که نوبت میهمانی پسرش بود می‌گفت: من راضی نیستم به منزل من بیایید، مگر این که روضه خوانی هم بیاید و ذکر از حضرت سید الشهداء علیه السلام خوانده شود؛ از این رو هر شب که نوبت آن رفیق بود، مجلس ما به روضه و تعزیه تمام می‌شد.

پس از چندی، آن پیرمرد محترم مرحوم شد و مرگش همه ما را سخت ناراحت کرد تا اینکه شبی او را در عالم رؤیا دیدم و می‌دانستم که مرده است و هر کس انگشت ابهام (شست) مرده را بگیرد، هر چه از او پرسد جواب می‌گوید؛ از این رو انگشت ابهام او را گرفتم و گفتم: تو را رها نمی‌کنم تا حالات خود را برایم نقل کنی.

ترس و لرزش دیدی به او دست داد و گفتم: نپرس که گفتم نیست. وقتی از گفتن حالاتش مأیوس شدم گفتم: پس چیزی را که در این عالم فهمیدی برایم بگو تا من هم بدانم. گفت: ما با اینکه امام حسین علیه السلام را در دنیا یاد می‌کردیم، نشناختیم، اینجا که آمدم مقام و سلطنت و عزت او را مشاهده کردم، که آن را هم نمی‌توانم به تو بفهمانم جز

این که خودت بیایی و ببینی.

عنایت امام حسین (ع) به مرحوم حاج اسماعیل دولابی

آیت الله مبشرکاشانی در مورد علم اهل بیت علیه السلام فرمودند: ائمه طاهرین، صاحبان علم هستند و هر فردی که قصد عالم شدن و بهره گرفتن از دانشی را دارد، تنها از طریق آنها است که به او عنایت می شود و اگر می بینید آیات قرآن در مورد نعمات الهی و بهشت سخن می گویند، مقصود همان معارف الهی هستند که در آنجا نصیب مؤمنان می شود. ایشان در ادامه همین بحث از باب نمونه فرمودند: جناب آقای حاج اسماعیل دولابی که برداشت های زیبا و خوبی از آیات و روایات داشته اند به این دلیل بوده است که وقتی در ایام جوانی به زیارت عتبات عالیات در کشور عراق می روند و به محضر مبارک امام حسین علیه السلام در کربلا مشرف می شوند، کنار ضریح مقدس، از آن حضرت طلب علم و معرفت می کنند.

ایشان در آن حال که بسیار منقلب هستند، ناگهان مکاشفه ای برایشان پیش می آید و می بینند، دست مبارکی از ضریح مقدس خارج شد و سیبی را داخل سینه ایشان قرار داد. آن گاه متوجه می شوند که امام علیه السلام به ایشان عنایت فرموده اند و آن معارفی را که بیان می کردند از حضرت سید الشهداء علیه السلام داشتند و آن سیب هم معنی اش همان معارف و علوم بود.

بوی سیب سرخ

یکی از دوستان شیخ رجبعلی خیاط نقل می کند: همراه ایشان به کاشان رفتیم. عادت شیخ این بود که هر جا وارد می شد به زیارت اهل قبور می رفت. هنگامی که وارد قبرستان کاشان شدیم شیخ گفت: «السلام علیک یا ابا عبد الله علیه السلام» چند قدم جلوتر رفتیم، فرمودند: «بویی به مشامتان نمی رسد؟» گفتیم: چه بویی؟ فرمود: «بوی سیب سرخ است شمام نمی کنید؟» قدری جلوتر آمدیم، به مسئول قبرستان رسیدیم، شیخ از او پرسید: امروز کسی را این جا دفن کرده اند؟ او پاسخ داد: پیش پای شما فردی را دفن



کرده اند. آن گاه ما را سرقبر آن مرد برد و ما در آن جا بوی سیب سرخ را استشمام کردیم. پرسیدیم: این چه بویی است؟ شیخ فرمود: وقتی این بنده خدا را در این جا دفن کردند، وجود مقدس سیدالشهدا علیه السلام به اینجا تشریف آوردند و به واسطه این شخص، عذاب از اهل قبرستان برداشته شد.

عزاداری برای امام حسین علیه السلام

برپایی مراسم عزاداری برای امام حسین علیه السلام علاوه بر زنده نگه داشتن خاطره شهید کربلا و تقویت روحیه مسئولیت پذیری و نشان دادن احساسات پاک انسان های با ایمان نسبت به اهل بیت علیهم السلام و ارزش های متعالی، نوعی اعتراض به ستمگران و حمایت از مستضعفان و مظلومان است. این امر حس عدالت خواهی و انتقام جویی از ستمگران و ظالمان را تقویت می کند و باعث وحدت و یک دلی نیروهای مؤمن و متعهد می شود. هم چنین عزاداری برای امام حسین علیه السلام سبب می شود که شور و عاطفه از شعور و شناخت برخوردار شود و مکتب عاشورا به مانند فکری سازنده و حادثه ای الهام بخش هموار تأثیر خود را حفظ کند و در نهایت عزاداری، احیای خط خون و شهادت و رساندن صدای مظلومیت اهل بیت علیهم السلام به گوش تاریخ است.

برخی از شعارهای عاشورا

در روز عاشورا و قبل و بعد از آن جملات بسیار ارزشمندی از امام حسین علیه السلام و یاران شجاع و فداکارش بیان شده است که هریک اهداف و پیام های آموزنده و هشدارهای حیات بخشی را گوش زد می کنند که توجه به آنها در طول حیات بشر آموزنده است. برخی از آن سخنان نورانی را با هم مرور می کنیم:

۱. مرگ سرخ بهتر از زندگی ننگین است.
۲. اگر دین ندارید و از معاد نمی ترسید، دست کم در دنیا آزاد مرد باشید.
۳. مرگ بهتر از تحمل ننگ و ننگ بهتر از داخل شدن در آتش دوزخ است.
۴. محال است که تن به پستی بدهیم.

۵. خشنودی خداوند خشنودی ماست. ما بر بلا و امتحان او صبر می‌کنیم.

عاشورا و امر به معروف و نهی از منکر

از جمله اهداف مهم حماسه خونین کربلا احیای عنصر امر به معروف و نهی از منکر است. امام حسین علیه السلام در وصیتی که به برادر بزرگوارشان محمد حنفیه می‌نویسند، در این باره چنین می‌فرمایند: "من نه به سبب خودخواهی یا خوشگذرانی و نه برای ایجاد فساد و ترویج ستمگری قیام کرده‌ام؛ بلکه انگیزه من از قیام انجام دادن تکلیف «امر به معروف و نهی از منکر» است. می‌خواهم از این طریق اصلاحاتی را در امت جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم انجام دهم و روش من روش رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم و پدرم علی بن ابیطالب علیه السلام است."

بر همین اساس در زیارت آن حضرت تصریح می‌کنیم: اَشْهَدُ اَنَّكَ... اَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَتَّى اَتَاكَ الْيَقِينُ؛ شهادت می‌دهم که تو امر به معروف و نهی از منکر کردی و آن‌گونه در راه خدا به جهاد پرداختی که به یقین کامل دست یافتی.

